

■ جلسه رسیدگی به اتهامات ضارب شهید حدادیان در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران به ریاست قاضی صلواتی برگزار شد.

دومین جلسه رسیدگی به اتهامات ضارب شهید حدادیان در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران به ریاست قاضی صلواتی برگزار شد.

قاضی صلواتی خطاب به متهم (ک. ع) پرسید: شما آیا در تجمعات جلوی زندان اوین حاضر بودی؟

متهم گفت: بله من در آن تجمعات حضور داشتم؛ اما حضورم مستمر و دائمی نبود.

قاضی صلواتی ادامه داد: شما در زمانی که دستگیر شدی در کجا بودی و چه وضعیتی داشتی؟

متهم افزود: من در خیابان گلستان در عقب ماشین دراز کشیده بودم که توسط ماموران دستگیر شدم. بخاطر درگیری صورتم خونریزی داشت صورتم را پوشانده بودم و به عقب خودرو رفته و آنجا دراز کشیده بودم.

قاضی صلواتی پرسید: زمان ضرب و جرح شهید حدادیان او در چه وضعیتی بود؟

متهم گفت: من اصلا او را ندیده‌ام و چنین شخصی را نمی‌شناسم.

قاضی گفت: اما شما در جلسه قبلی دادگاه به ضرب و جرح شهید حدادیان اقرار کرده بودید.

متهم گفت: خیر، من در جلسه قبل گفتم که با یک چوب یک مامور را زدم .

قاضی صلواتی بیان داشت: در جلسه قبل خودتان به من گفتید که با چوب و میله به سر و صورت او زدم. اما اکنون تکذیب می‌کنید؟

متهم گفت: گفتم که با چوب به مامور نیروی انتظامی ضربه زدم .

قاضی صلواتی ادامه داد: شما از کجا فهمیدی که شخصی را که با چوب می‌زنی مامور بوده است؟

متهم گفت: بخاطر داشتن جلیقه ضدگلوله و لباسی که پوشیده بود فهمیدم که او مامور است.

قاضی صلواتی افزود: زمانی که شما با چوب و آهن به سر و صورت شهید حدادیان می‌زدی او زنده بود یا خیر؟

متهم گفت: من اصلا او را نمی‌شناسم .

نماینده دادستان خطاب به متهم به بیان توضیحی پرداخت و گفت: شما در بازجویی‌ها اقرار کرده‌اید که با یک چوب به شهید حدادیان حمله کرده‌اید و شدت ضربات شما به حدی بوده است که چوب از دستان شما خارج شده و سپس میله‌ای را برداشته و با آن به شهید حدادیان ضربه زده‌اید. اقرار شما براساس تحقیقات است و انکار شما وارد نیست.

متهم ک. ع. ادامه داد: من صادقانه می‌گویم که یک نفر مامور را با چوب زدم به طوریکه چوب از دستم پرت شد؛ من تکرار می‌کنم که فقط به یک مامور حمله کرده‌ام.

وی گفت: من به جهت نگرانی و کسب اطلاع به آن کوچه آمدم. شما می‌گویید که آنجا اغتشاش بوده است ولی من با زن و فرزندم حاضر بودم.

نماینده دادستان در پاسخ به این دفاع متهم گفت: شما در تجمعات روبروی زندان اوین هم که حضور داشتید و درخواست آزادی عده‌ای را می‌کردید با اینکه زمستان بود هوا بسیار سرد بود، اما طفل چند روزه و همسر خود را هم به آنجا آورده بودید؛ که اگر در آنجا برای آن کودک اتفاقی افتاد انگشت اتهام را به سمت نظام بگیرید؛ لذا استفاده از طفل و همسر خود مسبوق به سابقه است.

وی گفت: برخی که عنوان دراویش داشتند به جای تشکر کردن از نظام و ماموران در سعه صدری که به خرج دادند، اغتشاش کردند و حتی سه نفر از ماموران نیروی انتظامی را به شهادت رساندند.

نماینده دادستان گفت: شما در جلسه قبل هم اقرار کردید که با چوب و میله به شهید حدادیان حمله کرده و به سر او ضربه

زده‌اید.

قاضی خطاب به متهم پرسید: شما به این پرسش پاسخ دهید که شهید حدادیان در زمان ضربه زدن به سر او زنده بود یا خیر؟
متهم گفت: من شهید حدادیان را زده‌ام و فقط به یک مامور نیروی انتظامی با چوب ضربه زده‌ام.

قاضی صلواتی خطاب به متهم گفت: اقرار صریح شما در پرونده موجود است و خیلی راحت توضیح داده‌اید که چگونه به شهید حدادیان ضربه زده‌اید.

نماینده دادستان افزود: اکثر اقرار شما در شعبه بازپرسی اخذ گردیده است و آنجا تحت هیچگونه فشار و شکنجه‌ای نبوده‌اید که می‌گویید قبول هم دارید.

قاضی صلواتی در پایان این جلسه اظهار کرد: آیا از اقدام خود عذاب وجدان ندارید؟

متهم با بیان اینکه بابت شهادت حدادیان ناراحت هستم، مدعی شد: هیچ عذاب وجدانی ندارم.

در پایان قاضی صلواتی ختم جلسه دوم دادگاه متهم (ک.ج) را اعلام کرد و گفت: در جلسه دیگری که تعیین وقت خواهد شد به اتهامات متهم رسیدگی خواهد شد.